فصلنامهٔ علمی مطالعات باستان‌شناسی پارسه
|| شمارهٔ ۱۹ || سال ششم || بهار ۱۴۰۱ ||
P. ISSN: 2645-5048 & E. ISSN: 2645-5706

نتایج اولیهٔ کاوش باستان‌شناسی تُل سوزو گِناوه، بوشهر

محمدحسین عزیزی خرانقی[I]

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۵۱ - ۳۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱
شناسهٔ دیجیتال (DOI): 10.66224/PJAS.6.19.33

چکیده

مطالعات باستان‌شناسی در سواحل شمالی خلیج‌فارس در مراحل اولیه است؛ و هرچند دهه‌هاست چنین مطالعاتی در این منطقه آغاز شده، ولی وقفه‌های طولانی و ممتد منجر به عدم دستیابی به نتایج قابل اتکاء در دوره‌های مختلف شده است. این موضوع در دورهٔ پیش‌ازتاریخ حادتر و مشخص‌تر است. عدم انتشار نتایج پژوهش‌های صورت‌پذیرفته نیز منجر به تشدید این معضل شده است؛ هرچند محدودهٔ موردنظر این پژوهش ازلحاظ بررسی‌های باستان‌شناسی دارای موقعیت خوبی است، ولی متأسفانه نتایج بررسی‌ها نیز به‌خوبی منتشر نگردیده است. مطالعه در سواحل شمالی خلیج‌فارس امروزه صرفاً یک موضوع پژوهشی صرف نیست، بلکه با توجه به هجمه‌ها و جعل‌های تاریخی صورت‌گرفته، امروزه وظیفه‌ای پژوهشی است. مطالعات صورت‌گرفته در این منطقه نشان‌داده که حداقل از حدود هفت‌هزار سال پیش اقوام ساکن در ایران، در سواحل شمالی خلیج‌فارس سکونت داشته و امکان بهره‌برداری از دریا را نیز داشته‌اند، و هرچند در دوره‌های اولیه این استقرار به‌صورت فصلی بوده، ولی از هزارهٔ چهارم پیش‌ازمیلاد با توجه به شواهد معماری خشتی شناسایی‌شده، روستاها و سپس شهرهای دائمی در منطقه ایجاد شده است و در دورهٔ تاریخی و اسلامی نیز این مناطق به‌صورت کامل مسکونی شده است. دریا علاوه بر تأمین مواد غذایی نقش بسیار حیاتی در روابط تجاری از هزارهٔ پنجم و چهارم پیش‌ازمیلاد تاکنون در این منطقه بازی کرده که در مطالعات باستان‌شناسی منطقه می‌بایست موردتوجه قرار گیرد. محوطهٔ تل سوزو گناوه بوشهر یکی از محوطه‌های پیش‌ازتاریخی منطقه است که با توجه به شواهد فرهنگی شناسایی‌شده از کاوش در ترانشهٔ لایه‌نگاری این محوطه از اواسط هزارهٔ پنجم تا اواخر هزارهٔ چهارم پیش‌ازمیلاد مسکونی بوده است. ساکنان این محوطه با نواحی داخلی منطقهٔ فرهنگی فارس و جنوب‌غرب ایران ارتباط داشته و از منابع دریایی نیز بهره‌مند بوده‌اند.

کلیدواژگان: خلیج‌فارس، کاوش باستان‌شناسی، تل سوزو، دورهٔ باکون میانه، دورهٔ لپویی.

I. استادیار باستان‌شناسی، پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.
m.azizi@richt.ir

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

مقدمه

با این‌که سال‌ها از کاوش‌های باستان‌شناختی در سواحل شمالی خلیج‌فارس می‌گذرد و با توجه به مطالعات صورت‌گرفته در این حوزه، هنوز مشکلات عمده‌ای در توالی گاه‌نگاری دوره‌های استقراری در این منطقه وجود دارد. هم‌چنین تصویر واضح و روشنی از چگونگی زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی مردمان پیش‌ازتاریخ با توجه به پژوهش‌های محدود و پراکنده، موجود نیست. برمبنای مطالعات باستان‌شناختی که از سالیان دور در این بخش از ایران صورت‌گرفته، بیشتر ادوار فرهنگی، تاریخی و اسلامی موردتوجه قرار گرفته است. مطالعات گسترده و دامنه‌دار در شهر تاریخی- اسلامی سیراف (بختیاری، ۱۳۵۳؛ توفیقیان، ۱۳۹۳، اسماعیلی‌جلودار، ۱۳۸۷؛ Whitehouse, 1974)، آثار باشکوه کاخ‌های هخامنشی (سرفراز، ۱۳۵۰؛ ۱۳۸۵؛ یغمایی، ۱۳۸۳؛ ۱۳۸۴؛ ابراهیمی، ۱۳۸۶؛ کریمیان و همکاران، ۱۳۸۹) و محوطهٔ ایلامی لیان (تُل پی‌تُل)، (پزار، ۱۳۸۴)، نشان‌دهندهٔ استقرارهایی طولانی‌مدت و سکونت گروه‌های انسانی در این بخش از ایران بوده که روابط تجاری گستردهٔ دریایی را با مناطق مختلف جهان متمدن آن روز از دوران تاریخی تا اسلامی پایه‌ریزی کرده است. شواهد این رابطهٔ تجاری دریایی با مناطقی هم‌چون: سواحل جنوبی خلیج‌فارس، چین، هند و سواحل آفریقا غیرقابل انکار است (سرفراز، ۱۳۵۰: ۲۳؛ اسماعیلی‌جلودار، ۱۳۸۷: ۳۹۰). اقلیم خشک، رودخانه‌های شور و فصلی، گرما و رطوبت بالای هوا در اغلب ماه‌های سال، و پوشش گیاهی اندک، شرایطی هستند که به‌شدت سکونت گروه‌های انسانی را در دوران پیش‌ازتاریخ در این منطقه با موانع جدی مواجه کرده بوده‌اند. هم‌اکنون نیز با وجود پیشرفت‌های عظیم فناوری، تابستان در این خطه طاقت‌فرساست. طی بررسی‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته توسط «توفیقیان» و «کارتر» محوطه‌های چندی مربوطه به دورهٔ پیش‌ازتاریخ و هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد، شناسایی شد (Carter et al, 2006). پژوهش‌های محدودی در معرفی فرهنگ‌های هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد، در این منطقه صورت گرفته و برخی از این محوطه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی آنان معرفی شده است (عزیزی‌خرانقی، ۱۳۹۹). در این‌راستا کاوش‌های محدودی نیز صورت گرفته است، کاوش محوطهٔ چهار روستایی، محوطه‌ای متعلق به هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد، در روستای چهار روستایی در نزدیکی شهرستان گناوه صورت گرفته است (عزیزی‌خرانقی و همکاران، ۱۳۹۳). کاوش‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته در این محوطه منجر به شناسایی فرهنگ‌های دورهٔ باکون و روابط فرهنگی این منطقه با منطقهٔ فرهنگی فارس شد.

با توجه به اهمیت شناخت تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سواحل شمالی خلیج‌فارس در هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد، و تبیین تعاملات فرهنگی این منطقه به‌عنوان جنوبی‌ترین محوطهٔ گسترش فرهنگ باکون با چشم‌اندازی متفاوت نسبت به ارتفاعات فارس، کاوش محوطهٔ سوزو در سال ۱۳۹۵ هـ.ش.، صورت پذیرفت (عزیزی‌خرانقی، ۱۳۹۵) که منجر به شناسایی فرهنگ‌های هزارهٔ پنجم (باکون) و هزارهٔ چهارم (لپویی) پیش‌ازمیلاد، در این محوطه شد که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. مهم‌ترین هدف این کاوش شناسایی توالی فرهنگی این محوطه و شناخت شاخصه‌های فرهنگی این محوطه در ادوار پیش‌ازتاریخ بود.

پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش: پرسش‌های پژوهش عبارتنداز: ۱- قدیمی‌ترین شواهد استقراری تُل سوزو مربوط به چه دوره‌ای است؟ ۲- توالی استقراری سوزو چگونه است؟ ۳- آیا شواهدی از فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخ فارس در مناطق جنوبی ایران در استان بوشهر قابل شناسایی است؟ ۴- آیا ساکنان پیش‌ازتاریخی سوزو امکان بهره‌برداری از منابع دریایی را داشته‌اند؟

برهمین اساس فرضیه‌ها چنین طرح می‌شوند: ۱- قدیمی‌ترین شواهد فرهنگی استقراری در تُل سوزو مربوط به هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد است. ۲- تُل سوزو با توجه به شواهد مادی شناسایی شده و هم‌چنین ضخامت لایه‌های استقراری دارای دو دورهٔ فرهنگی باکون و لپویی است. ۳- فرهنگ‌های

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

پیش‌ازتاریخ فارس کاملاً در سواحل شمالی خلیج‌فارس در استان بوشهر رواج داشته‌اند. ۴- شواهد استخوانی به‌دست آمده از کاوش‌های تُل سوزو نشان‌دهندهٔ بهره‌برداری ساکنین این محوطه از منابع دریایی است.

روش پژوهش: در این پژوهش از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ بدین‌صورت که طی یک فصل کاوش میدانی شواهد فرهنگی و مستندات باستان‌شناختی جمع‌آوری و سپس با مطالعهٔ منابع مکتوب و کتابخانه‌ای و گزارش‌های آرشیوی، پیشینهٔ پژوهشی و مطالعاتی منطقه مورد بررسی و نمونه‌های مقایسه‌ای مورد تطبیق قرارگرفت.

تُل سوزو

تل سوزو در استان بوشهر، شهرستان دشتستان، بخش شبانکاره، روستای خلیفه قرار دارد (تصویر ۱). این محوطه در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۸ به‌شمارهٔ ۱۷۱۱۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. مساحت عرصهٔ این تپه براساس شواهد موجود حدود دو هکتار و ارتفاع آن از زمین‌های اطراف حدود ۴ متر است. این تپه در روستای خلیفه‌ای، شهرستان دشتستان در استان بوشهر قرار دارد و یکی از معدود محوطه‌های دارای لایه‌های پیش‌ازتاریخی در استان بوشهر است که شواهد سطحی نشان‌دهندهٔ وجود حداقل فرهنگ‌های هزاره‌های پنجم (باکون) و چهارم (لپویی) پیش‌ازمیلاد، در این محوطه است. خوشبختانه با وجود تخریب گسترده و هرساله‌ای که با انجام شخم به‌منظور کشاورزی برروی این تپه صورت می‌گیرد، هنوز ضخامت نهشته‌های فرهنگی آن



تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی تل سوزو، استان بوشهر (واحد نقشهٔ پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

به‌اندازه‌ای است که می‌توان امیدوار بود که با کاوش در این محوطه، بسیاری از پرسش‌های باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ حوزهٔ فرهنگی جنوب فارس و شمال خلیج‌فارس پاسخ داده شود.

درراستای مطالعات فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخ سواحل شمالی خلیج‌فارس، نگارنده با همکاری کارشناسان باستان‌شناس ادارهٔ استان بوشهر و با مطالعهٔ بررسی‌های باستان‌شناسی که تاکنون در این منطقه صورت پذیرفته، به معرفی محوطه‌های پیش‌ازتاریخی هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد، بوشهر پرداخته است (عزیزی‌خرانقی و همکاران، ۱۳۹۹). شش محوطهٔ پیش‌ازتاریخی، چهار روستایی، تل چغابور، تل سوزو، تل نصرک، تل قاشی و تهماچی (تصویر ۲)، از محوطه‌های شاخص این دوره هستند که دو محوطه از این‌میان، چهار روستایی و سوزو، توسط نگارنده مورد کاوش باستان‌شناسی قرارگرفته‌اند که در ادامه به معرفی دستاوردهای کاوش در تل سوزو (تصویر ۳) پرداخته می‌شود.

کاوش در محوطه‌های پیش‌ازتاریخی سواحل شمالی خلیج‌فارس در این بخش می‌تواند کمک شایانی به پررنگ کردن حضور تاریخی اقوام ایرانی در این بخش نماید و سندی بر اوراق هویتی خلیج‌فارس بیفزاید. ازسوی دیگر مطالعات موجود نشان‌دهندهٔ این است که فرهنگ‌های باکون در هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد، در این نواحی حضور داشته‌اند، ولی متأسفانه به‌دلیل عدم انجام مطالعات باستان‌شناختی در محوطه‌های دارای لایه‌های فرهنگی در این منطقه، چگونگی ارتباط این فرهنگ‌ها با نواحی مرکزی خویش، یعنی نواحی داخلی حوزهٔ فرهنگی فارس به‌خوبی شناخته شده نیست، که انجام کاوش در تل سوزو می‌تواند به برخی از این پرسش‌ها پاسخ دهد؛ بدین‌منظور کارگاه (/ترانشهٔ) A در مرکز و بالای تپه ایجاد و کاوش گردید.

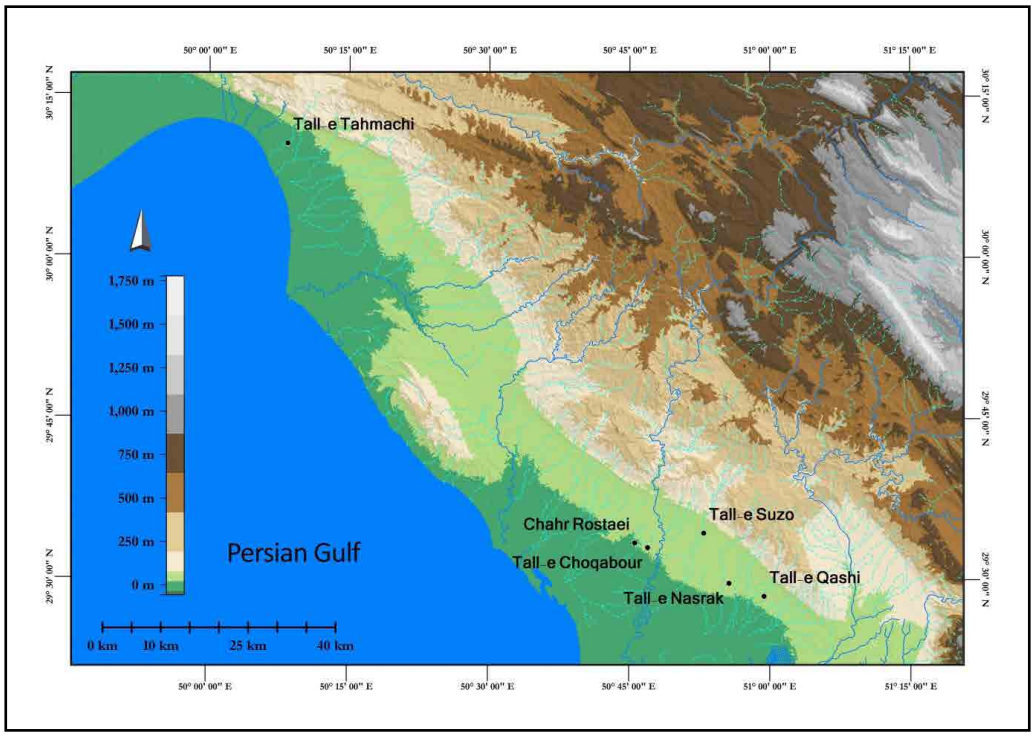
کارگاه A

به‌منظور مطالعهٔ توالی فرهنگی و شناخت بهتر بافت استقراری این محوطه، کارگاه A بر بالای تپه‌ای به‌ابعاد ۴×۴ متر مورد کاوش قرارگرفت (تصویر ۴). این نکته لازم به ذکر است که در سالیان گذشته حدود یک‌ونیم متر از لایه‌های فوقانی این محوطه توسط کاوشگران غیرمجاز به‌صورت کامل با بولدوزر از روی سطح تپه جمع‌شده و مواد فرهنگی به‌صورت گسترده‌ای در اطراف آن پراکنده شده‌اند. این کارگاه در جهات اصلی جغرافیایی ایجاد و مورد کاوش قرار گرفت. کاوش در کارگاه A را می‌توان در دو مرحله موردتوجه قرار داد. از لایهٔ سطحی تا کانتکست ۱۰۱۷، کاوش در همان ابعاد ۴×۴ متر ادامه یافت، ولی به‌دلیل وجود سازهٔ معماری امکان ادامهٔ کاوش در همان ابعاد وجود نداشت و تصمیم گرفته شد که در گوشهٔ شمال‌غربی سازهٔ مذکور گمانهٔ پیشرو به‌ابعاد ۱/۵×۱/۵ متر کاوش گردد. ضخامت نهشته‌های فرهنگی کاوش‌شده در این کارگاه ۵/۸۰ متر و کاوش با شناسایی کانتکست ۱۰۳۶ (خاک بکر) در این کارگاه متوقف شد.

اداور فرهنگی شناسایی‌شده در تُل سوزو
- دورهٔ باکون میانه (هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد)

کانتکست‌های ۱۰۳۶ تا ۱۰۱۶ معرف این فرهنگ در تُل سوزو هستند (تصویر ۴). قطعات سفال‌های عموماً نخودی منقوش و چرخ‌ساز شاخصهٔ سفال‌هایی است که از کاوش در این لایه‌ها شناسایی شده‌اند. نقوش عموماً هندسی و در موارد اندکی نیز نقوش انتزاعی حیوانی و انسانی شناسایی شده است (تصویر ۵). براساس مطالعات مقایسه‌ای می‌توان این آثار را به دورهٔ فرهنگی باکون میانه تاریخ‌گذاری کرد. به‌صورت کلی می‌توان سفال‌ها را به دو دستهٔ کلی نخودی ساده (Simple Buff) و سفال‌های نخودی منقوش (Black on Buff) تقسیم‌بندی کرد که هرکدام به سه بخش ظریف، متوسط و خشن تقسیم شده‌اند. سطح ظروف به‌خوبی صاف و صیقلی شده و رنگ نقش آن‌ها از قهوه‌ای روشن متمایل به قرمز تا سیاه متغیر است. نقوش روی سفال‌ها تنوع چندانی ندارد، و

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]



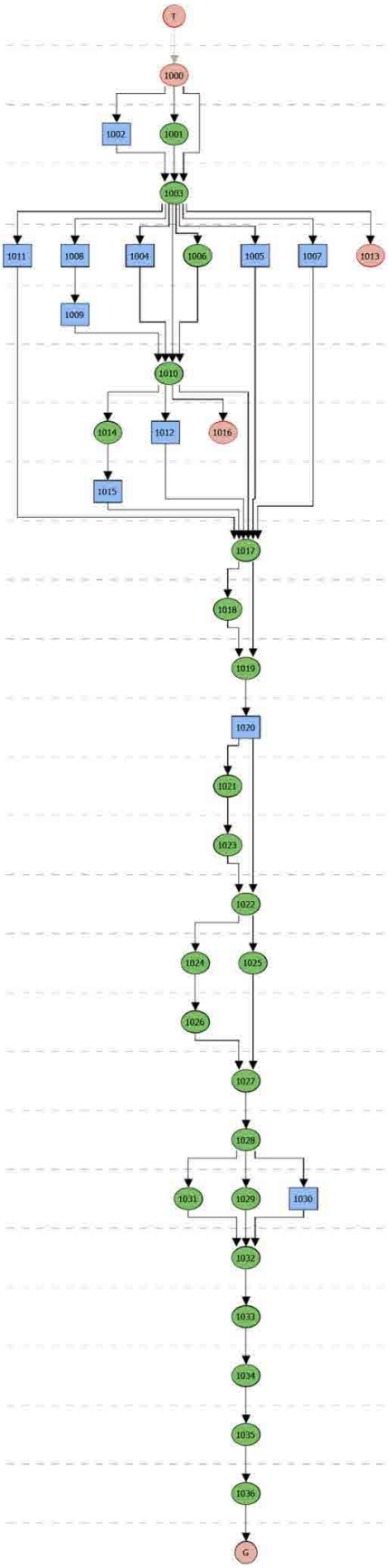
تصویر ۲. پراکنش محوطه‌های پیش‌ازتاریخی (هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد) در سواحل شمالی خلیج‌فارس در استان بوشهر (واحد نقشهٔ پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی).



تصویر ۳. نمای کلی تل سوزو (نگارنده، اسفند ۱۳۹۵).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]



تصویر ۴. نمودار هریس کارگاه (/ترانشهٔ) A تل سوزو (نگارنده، ۱۳۹۵).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

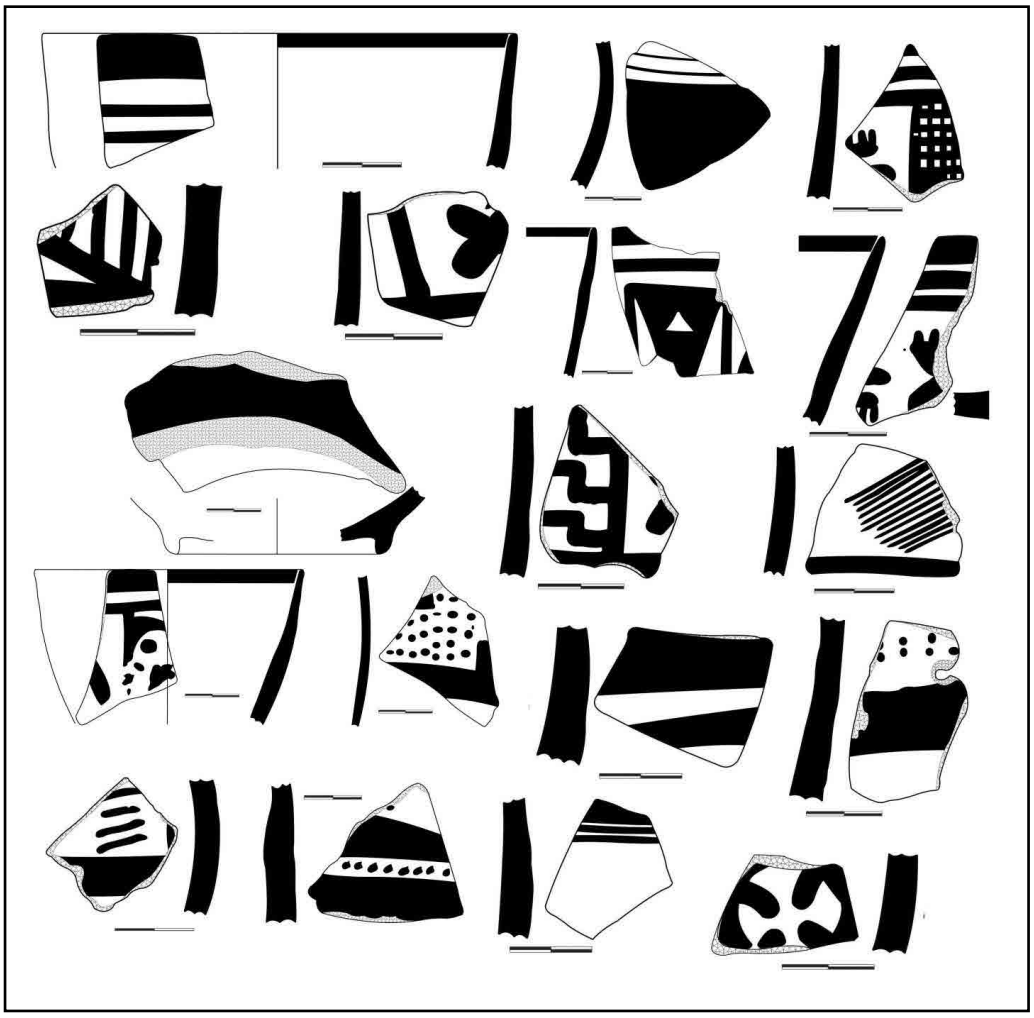
برخی به‌صورت زیگزاک با نقش منفی هستند. از دیگر نقش‌مایه‌ها، نقوش لوزی‌شکلی است که با طرح‌های سه‌گوش پر شده که در دورهٔ باکون بسیار رایج است (تصویر ۶). استفاده از این سبک برروی سفال‌های سوزو رواج دارد. گِل سفال‌ها به‌خوبی وَرز داده شده و آمیزهٔ آن‌ها بیشتر شن بسیار نرم است. با توجه به شیوهٔ استفاده‌شده، سفال‌ها در کوره‌های پیشرفته تولید شده و عموماً دارای پخت مناسبی هستند. نکتهٔ جالب این‌که در این مجموعهٔ سفالی برخی نمونه‌ها در اثر حرارت زیاد کاملاً از حالت اصلی خود خارج شده و تقریباً ذوب شده‌اند که یکی از دلایلی است که برای تولید محلی سفال مطرح می‌شود. فرم سفال‌های این دوره متنوع و شامل لیوان‌های بلند، کاسه‌های کوچک و بزرگ دهانه‌باز، خمره‌های کوچک و فنجان می‌شود. به‌جز کاسه‌های دهانه‌باز، نقش در یک‌سوم فوقانی سطح خارجی ظروف ایجاد شده است. در بین سفال‌ها، سفال‌های با آمیزهٔ کاه که جزو سفال‌های خشن طبقه‌بندی می‌شوند، وجود دارد. این دسته از سفال‌ها ازلحاظ فرم دارای بدنهٔ کروی هستند که به‌نظر می‌رسد در کورهٔ باز و با حرارت پایین پخته شده‌اند، این دسته از سفال‌ها را می‌توان به‌عنوان ظروف آشپزخانه‌ای طبقه‌بندی کرد. سفال‌های نخودی منقوش (Black on Buff or Red on Buff) به‌دست‌آمده از لایه‌های فرهنگی این محوطه قابل‌مقایسه با دیگر محوطه‌های کاوش‌شده، معرف فرهنگ باکون (Petrie, 2011, 2013: 127-128)، تل گَپ مرودشت (Egami & Sono, 1962)، تل نخودی پاسارگاد (Goff, 1964; 1969)، تل نورآباد ممسنی (Potts & Roustaei, 2006; Weeks et al., 2006)، تپه رحمت‌آباد (عزیزی‌خرانقی،



تصویر ۵. نمونه‌هایی از سفال‌های دورهٔ باکون میانهٔ تل سوزو گناوه، بوشهر، کارگاه A (نگارنده، ۱۳۹۷).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]



تصویر ۶. نمونه‌هایی از طرح‌های سفال‌های دورهٔ باکون میانهٔ تل سوزو گناوه، بوشهر، کارگاه A (نگارنده، ۱۳۹۷).

۱۳۸۶؛ عزیزی‌خرانقی و همکاران، ۱۳۹۱؛ ۱۳۹۳؛ Bernbeck et al., 2005; Azizi Kharanaghi et al., 2013)، تل میان‌رودِ دشت ابرَج (زارع و ابوالاحرار، ۱۳۸۹)، تپه مهرعلیِ اقلید (سرداری‌زارچی، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۳؛ Sardari et al., 2011: 13-16)، تل پیر (Askari Chaverdi et al., 2008)، تل بَشی (Pollock et al., 2010) و محوطه‌های هم‌دورهٔ تنگ‌بلاغی (کرمی، ۱۳۹۳؛ Helwing & Seyedin, 2007; 2010)، تپه مَش‌کریم سِمیرم (سرداری‌زارچی و طاهری، ۱۳۹۴؛ طاهری، ۱۳۹۴) و محوطهٔ چهار روستایی گناوه (عزیزی‌خرانقی، ۱۳۹۵: ۷۲) هستند.

دورهٔ لپویی (۳۴۰۰-۳۹۵۰ پ.م.)

نخستین‌بار سفال‌های قرمز صیقلی از کاوش‌های تل باکون به‌دست آمد (Schmidt, 1939: 123; Langsdorff & McCown, 1942: 24-60; Egami & Masuda, 1962: 1-4). نام‌گذاری این دوره به لپویی که برگرفته از روستایی در مرودشت است، توسط «واندنبرگ» در پی ارائهٔ توالی گاه‌نگاری فارس (Vanden Berghe, 1954) صورت گرفت. «سامنر» نیز در بررسی‌های خود در حوضهٔ رود کر از سطح ۱۰۱ محوطه سفال‌های قرمز لپویی را شناسایی کرد (Sumner, 1972: 41) و به تبیین سازمان‌های اجتماعی-سیاسی (Sumner, 1986) و تحلیل الگوهای استقراری (Sumner, 1988) این

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

دوره پرداخت. «گاچ» نیز در بررسی‌های دشت تخت‌جمشید و شیراز، ۱۸ محوطه را با سفال لپویی شناسایی کرد (Gotch, 1968: 168-170). طی کاوش‌های «آلدن» در لایه‌های تحتانی تل کوره نیز سفال‌های دورهٔ لپویی به‌دست آمد (Alden, 2003). هم‌چنین طی بررسی‌های منطقهٔ ممسنی، ۱۳ محوطه (Potts & Rustaei, 2006; Weeks et al., 2006) و کاوش‌های تل نورآباد و تل اسپید (Potts & Rustaei, 2006; Petrie et al., 2007; Petrie et al., 2013)، بررسی منطقه اقلید، هشت محوطه و کاوش‌های تپه مهرعلی (سرداری‌زارچی، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۲؛ Sardari et al., 2011) نهشته‌های فرهنگی این دوره مورد کاوش قرار گرفت. طی بررسی‌های صورت‌گرفته در منطقهٔ بوانات نیز هفت محوطه با سفال‌های نوع لپویی شناسایی شد (خانی‌پور، ۱۳۹۴). تاکنون دانسته‌های ما از دورهٔ لپویی اندک است؛ بیشتر تحلیل‌ها براساس بررسی‌های سطحی انجام گرفته و به‌جز تپه مهرعلی که در آن نهشته‌های دورهٔ لپویی به‌نسبت درمقیاس خوبی کاوش شده (سرداری‌زارچی، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۲؛ Sardari et al., 2011) در دیگر محوطه‌ها ازجمله تل نورآباد و تل اسپید (Potts & Rustaei, 2006; Petrie et al., 2007; Petrie et al., 2013) و حتی تل کوره (Alden, 2003) در مقیاس بسیار کم کاوش شده‌اند که با توجه به این موضوع نمی‌توان به‌درستی به تحلیل ساختارهای این دوره پرداخت.

با توجه به داده‌های استقراری به‌دست‌آمده از حوضهٔ رود کر، سامنر متوجه یک سری شواهد مبنی‌بر وجود سیر نزولی پیوسته در نحوهٔ استقرارهای مربوط به هزارهٔ چهارم پیش‌ازمیلاد، (پایان دورهٔ باکون) تا اواخر هزارهٔ سوم پیش‌ازمیلاد، (آغاز دورهٔ کفتری) در منطقه گردید. وی اذعان نمود که این الگو ماحصل مشاهدهٔ یک سیر نزولی پیوسته و یکنواخت تولیدی در نظام کشاورزی منطقه بوده و دلیل عمدهٔ آن‌را بایستی در نمک‌زارهای منطقه جست؛ هرچند که به‌عقیدهٔ سامنر این شیب مشاهده شده در استقرارها نمی‌تواند در اثر کاهش پیوستهٔ نزولی در جمعیت منطقه باشد، ولی در عین‌حال می‌توان چنین استدلال نمود که این روش کاهشی در نتیجهٔ نوعی دگرگونی تدریجی از اقتصاد معیشتی برپایهٔ کشاورزی آبی در دورهٔ باکون باشد تا نوعی اقتصاد برپایهٔ دام‌پروری عشایری در دورهٔ بانش. علاوه‌بر این، وی عقیده دارد که ازدیاد گروه‌های عشایری تا پیدایش تسلط و نفوذ سیاسی و اقتصادی در مرحلهٔ آغازایلامی برخاسته از نوعی سازماندهی در ارتفاعات، جدید و متمایز است. سیاست‌های قبیله‌ای دربردارندهٔ هر دو عنصر غیرمتحرک و کوچ‌رو هستند که برخی اوقات به‌صورت تقسیم‌شده و گاهی به‌شکل اتحادیه‌ای منسجم زیر لوای خان‌های قبایل اداره و رهبری می‌شد (Sumner, 1986: 209).

با توجه به این‌که دورهٔ لپویی بین دو دورهٔ باکون (که به‌عقیدهٔ اکثر پژوهشگران در این دوره پیچیدگی‌های سیاسی-اقتصادی شکل گرفته) و دورهٔ بانش (که هم‌زمان با تحولات عظیم در مناطق گسترده‌ای و همچنین شکل‌گیری حکومت‌های اولیه) قراردارد، درمورد ساختارهای دورهٔ لپویی به‌ندرت بحث شده است. این درحالی است که بررسی ساختارهای این دوره می‌تواند تداوم فرهنگی از دورهٔ باکون به دورهٔ بانش و یا گسست فرهنگی دورهٔ بانش را تبیین نماید. درحقیقت بررسی این دوره تاحدودی می‌تواند منشأ تحولات دورهٔ بانش را که تا چه‌اندازه بر اثر محرک‌های خارجی بوده و یا در پیِ تداوم و توسعهٔ فرهنگی در منطقه شکل‌گرفته، نشان دهد. سامنر معتقد است، درواقع تمام عناصر یک مرکز بزرگ که در شهر ملیان درطول دورهٔ بانش پدیدار گردیده بود؛ مانند رشد بی‌سابقهٔ تولید صنعتی مازاد بر نیاز جمعیت بومی ساکن، استفاده از گل‌نبشته‌های آغازایلامی، استفاده از هنر مهرسازی، جابه‌جایی ثروت و نیروی کار برای پروژه‌های ساخت‌وساز چون دیوار شهری، همگی نشان از یک سلسله تحولات پیچیده و اتفاقات سیاسی-تجاری دارد که در مرحلهٔ مهم دورهٔ پیشین، یعنی همان دورهٔ لپویی رخ‌داده است (Sumner, 1986: 209) که به‌عقیدهٔ اکثر محققین این دوره از ۳۹۵۰ پ.م. شروع می‌شود، اما طی کاوش‌های تل اسپید پایین‌ترین لایهٔ

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

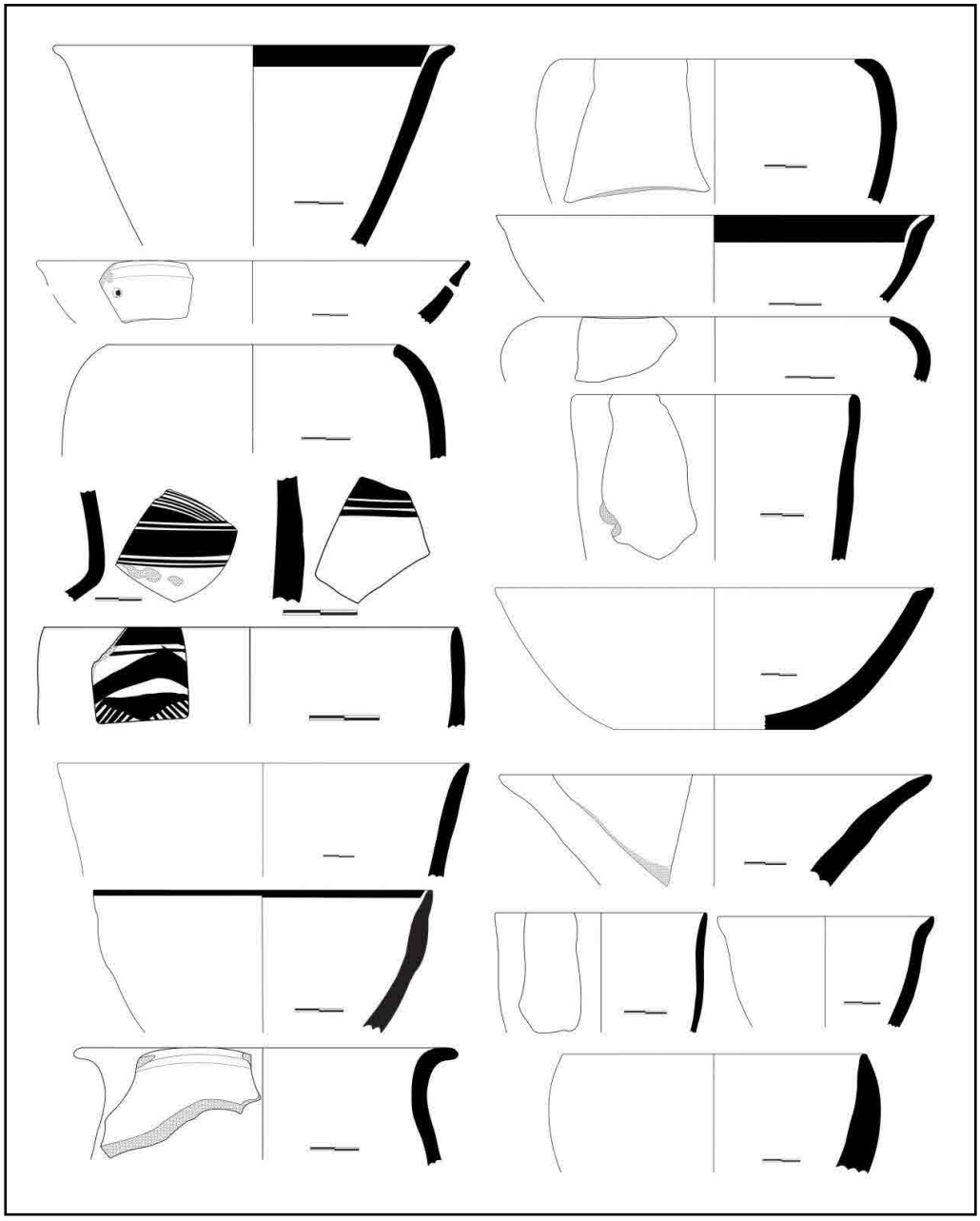


تصویر ۷. نمونه‌هایی از سفال‌های دورهٔ لپویی تل سوزو گناوه، بوشهر، کارگاه A (نگارنده، ۱۳۹۷).

دارای تاریخ ۳۹۸۰ پ.م. بوده که به‌عقیدهٔ «پتری» با توجه به نرسیدن به خاک بکر احتمالاً شروع دورهٔ لپویی تاریخی قدیمی‌تر دارد (Petrei et al., 2013). سامنر براساس یافته‌های سطحی این دوره را به سه زیرمرحله تقسیم می‌کند.

سامنر سفال‌های دورهٔ لپویی را به دو دستهٔ کلی ظریف و معمولی تقسیم‌بندی کرد. از آنجا که این تقسیم‌بندی براساس یافته‌های سطحی صورت گرفته، نیاز است تا براساس سفال‌های به‌دست‌آمده از کاوش‌ها این تقسیم‌بندی مورد بازنگری قرارگیرد. سفال‌های ظریف دارای خمیرهٔ یک‌دست قرمز یا نخودی با پخت کافی بوده که خمیرهٔ نخودی دارای پوشش گلی غلیظ قرمز است و سطح آن صیقلی یا داغ‌دار است. فرم سفال‌های ظریف شامل جام‌های زنگی‌شکل یا استوانه‌ای، کاسه‌های دهانه‌باز و خمره‌های دهانه‌بسته یا گردن‌کوتاه است. سفال معمولی لپویی دارای خمیرهٔ قرمزرنگ همراه با ذرات شن بوده که مغز آن اغلب خاکستری است. سطح سفال به‌طور یکنواختی هموار شده و در برخی صیقلی یا داغ‌دار شده است. فرم ظروف تاحدودی مشابه نوع ظریف بوده و در برخی موارد مانند خمره‌های دهانه‌بسته و کف‌های حلقوی متمایز شده است. فرم‌های آن شامل ساغرها، کاسه‌های دهانه‌باز، کاسه با لبهٔ متمایل به داخل و کوزه‌هایی با لبهٔ برگشته به بیرون است (Sumner, 1972: 40-42).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

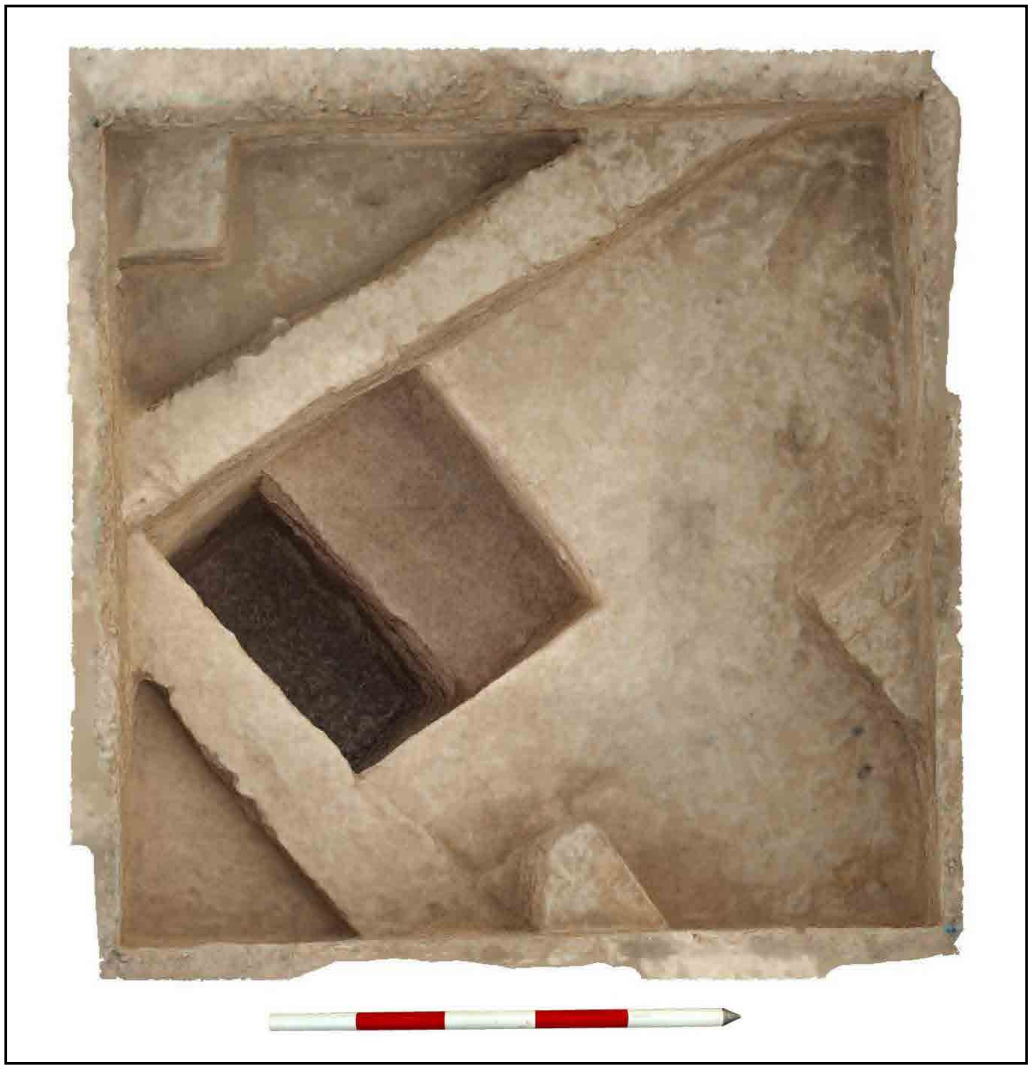


تصویر ۸. نمونه‌هایی از طرح‌های سفال‌های دورهٔ لپویی تل سوزو گناوه، بوشهر، کارگاه A (نگارنده، ۱۳۹۷).

همان‌گونه‌که اشاره شد، تقریباً تمامی اطلاعات باستان‌شناسی دورهٔ لپویی از مناطق شمالی و مرکزی منطقهٔ فارس گزارش شده و تاکنون کمتر از نواحی جنوبی این منطقه و سواحل شمالی خلیج‌فارس، این فرهنگ معرفی شده است؛ به هرروی، کانتکست‌های ۱۰۰۰ تا ۱۰۱۴ معرف این فرهنگ در تُل سوزو هستند (تصویر ۴) و علاوه‌بر سفال، معماری خشتی راست‌گوشه‌ای (تصویر ۹) نیز از این دوره در سوزو شناسایی شده است که برای شناخت کارکرد بهتر آن نیاز به گسترش فضای کاوش و آزادسازی بخش بیشتری از معماری مذکور هستیم. سفال‌های متنوع و گوناگونی با فرم‌ها و اشکال مختلف از این دوره شناسایی شده که به‌صورت کلی می‌توان آن‌ها را در شش گروه تقسیم کرد (تصویر ۸):

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]



۱- سفال‌های چرخ‌ساز قرمز سادهٔ صیقلی و در مواردی با نقوش داغ‌دار، که سفال‌های رایج این دوره هستند و از پخت مناسبی برخوردار بوده و فرم غالب آن‌ها کاسه‌های دهان‌باز است (تصویر ۷، شماره‌های ۱ تا ۸).

۲- سفال‌های چرخ‌ساز قرمز منقوش، که نقوش هندسی در بخش بیرونی ظرف به‌صورت خطوط موازی و متقاطع و اشکال هندسی مثلثی‌شکل ایجاد شده، و فرم سفال‌ها نیز علاوه‌بر کاسه، لیوان را نیز شامل می‌شود (تصویر ۷: شماره‌های ۹ تا ۱۲).

۳- سفال‌های نخودی سادهٔ چرخ‌ساز که فرم غالب آن خمره‌های کوچک و کاسه‌های بزرگ است (تصویر ۷: شماره‌های ۱۳ تا ۱۷).

۴- سفال خاکستری دست‌ساز که با نقوش داغ‌دار تزئین شده که فرم غالب آن، کاسه‌های دهانه‌بسته است. نمونه‌های اندکی از این‌گونه در مجموعه سفال‌های هزارهٔ چهارم پیش‌ازمیلاد سوزو دیده می‌شود (تصویر ۷: شماره‌های ۱۸ تا ۲۰).

۵- سفال‌های دست‌ساز خشن آشپزخانه‌ای با آمیزهٔ کاه و پخت نامناسب که بیشتر کاسه‌های بزرگ دهانه‌باز را دربر می‌گیرند و علائم حرارت‌دیدگی نامتناسب در سطوح بیرونی آن‌ها قابل مشاهده است (تصویر ۷: شماره‌های ۲۱ تا ۲۳).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

۶- دو نمونه سفال نخودی چرخ‌ساز دسته‌دماغی شاخص فرهنگ آغازایلامی نیز در مجموعهٔ سفالی این دوره در سوزو شناسایی شد (تصویر ۷: شماره‌های ۲۴ و ۲۵). وجود این اثر بیانگر ارتباط فرهنگی سوزو با مناطق جنوب‌غربی در دورهٔ آغازایلامی است. متأسفانه دیگر گونه‌های سفالی شاخص این دوره ازجمله کاسهٔ لبه‌واریخته در کاوش‌های صورت‌گرفته شناسایی نشد و برای درک بهتر تحولات آغازایلامی و نقش سوزو در آن، نیاز به کاوش‌های گسترده‌تر در این محوطه است.

نتیجه‌گیری

فصل نخست کاوش‌های باستان‌شناسی در تل سوزو گناوه بوشهر منجر به شناسایی فرهنگ‌های هزارهٔ پنجم (باکون میانه) و هزارهٔ چهارم (لپویی) پیش‌ازمیلاد، در ۲۸ کیلومتری شمالی سواحل خلیج‌فارس شد. فصل نخست کاوش در محوطهٔ مذکور با هدف تعیین عرصه و حریم و لایه‌نگاری در زمستان سال ۱۳۹۵ هـ.ش.، صورت‌پذیرفت. در این کاوش یک کارگاه به‌ابعاد ۴×۴ متر در مرکز و بالای تپه مورد کاوش قرارگرفت. ضخامت لایه‌های فرهنگی کاوش‌شده در این کارگاه ۵/۸۰ متر است. در کاوش در این کارگاه به‌صورت کلی دو دورهٔ فرهنگی با احتمالاً وقفهٔ زمانی مورد شناسایی قرارگرفت. این نکته لازم‌به‌ذکر است که ۱/۵ متر از لایه‌های سطح این محوطه توسط حفاران غیرمجاز تسطیح شده است و امکان شناسایی لایه‌های فوقانی این محوطه از بین رفته است. لایه‌های تحتانی این محوطه (کانتکست‌های ۱۰۳۶-۱۰۱۶) معرف دورهٔ فرهنگی باکون میانه (اواخر و اواسط هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد) با سفال‌های نخودی منقوش شاخص این دوره است. این سفال‌ها با یافته‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه‌های شاخص این دوره در منطقهٔ فرهنگی فارس کاملاً قابل‌مقایسه است؛ هرچند ابعاد کاوش در این دوره اندک بود، ولی می‌توان استقرار این دوره در تل سوزو را متعلق به جوامع نیمه‌یکجانشین دانست که با توجه به شرایط اقلیمی منطقه، در فصول مناسب در این محوطه مستقر می‌شدند. دورهٔ باکون میانی نقطهٔ اوج چندهزار سال توسعهٔ فرهنگی پیش‌ازتاریخ فارس است. در طی این مرحله با وجود تفاوت‌های منطقه‌ای، بخش وسیعی از جنوب ایران ازنظر فرهنگ مادی به یکنواختی رسید (Week et al., 2010). در رابطه با پراکنش سفال‌های باکونی در یک چنین حوزهٔ فرهنگی گسترده‌ای از خلیج‌فارس در جنوب تا کوه‌های بختیاری در شمال و از مرزهای شرقی خوزستان در غرب تا مرزهای غربی کرمان در شرق، فرضیهٔ وجود سفالگران دوره‌گردی مطرح است که مرتب درحال حرکت و جابه‌جایی بودند. آن‌ها با توجه به موقعیت‌های مختلف مکانی، با حفظ ویژگی‌های اصلی و استاندارد این دوره، نقش‌مایه‌های گوناگون محلی را نیز برروی سفال طراحی می‌کرده‌اند (Askari et al., 2008: 38; Weeks et al., 2010). دیدگاه دیگر مبتنی‌بر این است که یک سنتی از روابط برون‌همسری بین روستاییان محلی این دوره با دیگر مناطق وجود داشته که با جابه‌جایی زنان، به‌نوعی دانش فنی، فرهنگ لغت و گرامر نقوش تزئینی سفال باکون را انتقال داده‌اند (علیزاده، ۱۳۸۳: ۴۸-۴۹)؛ هم‌چنین پدیدهٔ قبایل کوچ‌نشین در حمل و مبادلهٔ کالاهای تولیدی روستاییان نقش اساسی را بازی می‌کرده است (علیزاده، ۱۳۸۳؛ Alizadeh, 2003). امروزه نیز استان بوشهر و سواحل شمالی خلیج‌فارس محل قشلاق ایل قشقایی است؛ به‌طوری‌که در موسم قشلاق، این عشایر در تمامی نواحی استان بوشهر و در موسم ییلاق در استان فارس پراکنده می‌شوند (افشارسیستانی، ۱۳۶۹: ۴۳۲). شواهد باستان‌شناختی سوزو نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

دورهٔ فرهنگی شناسایی‌شده در این کاوش، لپویی (کانتکست‌های ۱۰۱۵-۱۰۰۰) است. تاریخ پیشنهادی برای این دوره نیز اواسط هزارهٔ چهارم پیش‌ازمیلاد است. سفال شاخص این دوره ظروف قرمز صیقلی ساده و منقوشی است که در مواردی با نقوش داغ‌دار تزئین شده است. علاوه‌بر این گونهٔ شاخص، سفال‌های نخودی ساده، خاکستری و دو نمونه سفال شاخص دورهٔ آغازایلامی نیز در

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

مجموعهٔ سفالی این دوره به‌چشم می‌خورد. در زیر لایه‌های سطحی نیز با بقایای معماری خشتی و راست‌گوشه‌ای برخورد شد که با توجه به ابعاد اندک کاوش، امکان ارائهٔ کاربری مشخص برای این سازهٔ خشتی وجود ندارد. با توجه به شواهد معماری برخلاف دورهٔ پیشین به‌نظر می‌رسد استقرار در این دوره به‌صورت دائم بوده و روابط با نواحی داخلی فارس و خوزستان (با توجه به نمونه‌های دسته‌دماغی شناسایی‌شده) برقرار بوده است. گاه‌نگاری ارائه‌شده در این پژوهش، صرفاً نسبی و مقایسه‌ای بوده؛ ولی ارائهٔ تاریخ‌گذاری مطلق با توجه به کمبود مطالعات باستان‌شناسی در دورهٔ پیش‌ازتاریخ در این محدوده، اجتناب‌ناپذیر است که امید است در آینده این امکان فراهم آید.

کتابنامه

- ابراهیمی، نصرالله، (۱۳۸۶). «تحلیل فضایی کاخ های هخامنشیان در برازجان». پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشرنشده).
- اسماعیلی‌جلودار، محمداسماعیل، (۱۳۸۷). «گزارش فصل دوم کاوش باستان‌شناسی سیراف». تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی (منتشرنشده).
- افشارسیستانی، ایرج، (۱۳۶۹). نگاهی به بوشهر. جلد اول، تهران: نسل دانش.
- بختیاری، حسین، (۱۳۵۳). نکاتی از جغرافیای تاریخی و باستان‌شناسی سیراف. بوشهر: انتشارات ادارهٔ کل فرهنگ و هنر استان بوشهر.
- پزار، موریس، (۱۳۸۴). مأموریت در بندر بوشهر، گزارش حفاری‌ها و مطالعات باستان‌شناسی. ترجمهٔ سیدضیاء مصلح، بوشهر، انتشارات شروع.
- توفیقیان، حسین، (۱۳۹۳). «تحلیل معماری بندر باستانی سیراف در بخش ساحلی با تکیه بر مطالعات باستان‌شناسی زیرآب». مطالعات باستان‌شناسی، دورهٔ ۶، شمارهٔ ۱، صص: ۳۸-۲۱.
- خانی‌پور، مرتضی (۱۳۹۴). «گزارش نخستین فصل بررسی باستان‌شناسی بخش مرکزی و مزایجان بوانات). آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشرنشده).
- زارع، موسی؛ و ابوالاحرار، علیرضا، (۱۳۸۹). «گزارش کاوش باستان‌شناسی تپه میانرود، فارس». تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی (منتشرنشده).
- سرداری‌زارچی، علیرضا، (۱۳۹۰). «تحلیل پیچیدگی‌های اجتماعی-اقتصادی فرهنگ‌های شمال فارس (اقلید) در دورهٔ مس‌وسنگ براساس کاوش‌های تپهٔ مهرعلی». رسالهٔ دکترای باستان‌شناسی دانشگاه تربیت‌مدرس (منتشرنشده).
- سرداری‌زارچی، علیرضا؛ و طاهری، محمدحسین، (۱۳۹۴). «کاوش تپه مشکریم سمیرم». مجموعه مقالات کوتاه سالانهٔ باستان‌شناسی، تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی.
- سرفراز، علی‌اکبر، (۱۳۵۰). «کشف کاخی از عهد کورش کبیر در ساحل خلیج‌فارس». مجلهٔ باستان‌شناسی و هنر ایران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، ادارهٔ کل باستان‌شناسی و فرهنگ عامه، شمارهٔ ۷ و ۸، صص: ۱۹-۳۲.
- سرفراز، علی‌اکبر، (۱۳۸۵). «گزارش پنجمین فصل از کاوش‌های کاخ چرخاب برازجان». بوشهر: مرکز اسناد ادارهٔ کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان بوشهر (منتشرنشده).
- طاهری، محمدحسین، (۱۳۹۴). «بررسی تعاملات فرهنگی اجتماعات دورهٔ مس‌وسنگ منطقهٔ سمیرم براساس کاوش تل مش‌کریم». پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشرنشده).
- عزیزی‌خرانقی، محمدحسین، (۱۳۸۶). «گاه‌نگاری مقایسه‌ای و سبک‌شناسی سفال‌های رحمت‌آباد فارس». پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشرنشده).
- عزیزی‌خرانقی، محمدحسین، (۱۳۹۵). «گزارش نخستین فصل گمانه‌زنی به‌منظور تعیین

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

عرصه و پیشنهاد حریم و کاوش تل سوزو، شهرستان دشتستان، استان بوشهر». تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی (منتشرنشده).

- عزیزی‌خرانقی محمدحسین؛ خانی‌پور، مرتضی؛ خسروی، سلمان؛ رازی، سروش؛ بارانی، وحید؛ و آذریان، مهدی، (۱۳۹۱). «گزارش نخستین فصل گمانه‌زنی محوطهٔ پیش‌ازتاریخی چهار روستایی». تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی (منتشرنشده).

- عزیزی‌خرانقی، محمدحسین؛ ابراهیمی، نصرالله؛ و خانی‌پور، مرتضی، (۱۳۹۳). «کاوش باستان‌شناختی محوطهٔ چهار روستایی بوشهر». مقاله‌های کوتاه دوازدهمین گردهم‌آیی سالانهٔ باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی.

- عزیزی‌خرانقی، محمدحسین، (۱۳۹۹). «سواحل شمالی خلیج‌فارس (استان بوشهر) در هزارهٔ پنجم ق.م». همایش بین‌المللی مجازی باستان‌شناسی ایران و مناطق همجوار، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- عزیزی‌خرانقی، محمدحسین؛ ابراهیمی، نصرال‌ل؛ه و آذریان، مهدی؛ (۱۳۹۹). «محوطه‌های باکونی در سواحل شمالی خلیج‌فارس، استان بوشهر». دریای پارس به روایت باستان‌شناسی (مجموعه مقالات)، گردآورندگان: جبرئیل نوکنده، عبدالرضا دشتی‌زاده، ام‌البنین غفوری، صص: ۶۹-۴۸.

- علیزاده، عباس، (۱۳۸۳). «گزارش مقدماتی پژوهش‌های باستان‌شناسی در فازهای پیش‌ازتاریخ مرودشت: گمانه‌زنی در تل‌های باکون، موشکی و جری». تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی (منتشرنشده).

- کرمی، محمد، (۱۳۹۳). «بازتاب توسعهٔ اقتصادی-سیاسی در شمال فارس طی هزارهٔ پنجم قبل‌ازمیلاد (براساس کاوش‌های اخیر درهٔ بلاغی)». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، تهران: دانشگاه تهران، صص: ۱۴۰-۱۲۷.

- کریمیان، حسن؛ سرفراز، علی‌اکبر؛ و ابراهیمی، نصرالله، (۱۳۸۹). «بازیابی کاخ‌های هخامنشیان در برازجان با اتکاء به داده‌های باستان‌شناسی». مجلهٔ باغ‌نظر، سال ۷، شمارهٔ ۱۴، صص: ۵۸-۴۵.

- یغمایی، اسماعیل (احسان)، (۱۳۸۳). «گزارش کاوش کاخ بردک سیاه». بوشهر: مرکز اسناد ادارهٔ کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان بوشهر (منتشرنشده).

- Afshar Sistani, I,. (1990). *A Look at Bushehr.* Volume One, Tehran: Nasl-e Danesh publication.

- Alden, J. R., (2003). "Appendix D: Excavations at Tal-e Kureh". In: Sumner, W. M. (ed.), *Early Urban Life in the Land of Anshan: Excavations at Tal-e Malyan in the Highlands of Iran,* Pp: 187-198, University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology: Philadelphia.

- Alizadeh, A., (2003). "Some observations based on the nomadic character of Fars prehistoric cultural development". In: Miller, N. F. and Abdi, K. (eds), *Yeki Bud, Yeki Nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner.* Pp: 83-97. The Cotsen Institute of Archaeology: Los Angeles. 265.

- Alizadeh, A., (2004). "Preliminary Report of Archaeological Research in the Prehistoric Phases of Marvdasht: excavations in the Bakun, Mushki and Jari". Tehran, Archaeological Research Institute Documentation Center (unpublished).

- Asgari Chaverdi, A.; Petrie, C. & Taylor, H., (2008). "Early village settlements on

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

the Persian Gulf littoral: revisiting Tol-e Pir and the Galehdar valley". *IRAN,* No. 46, Pp: 21–42.

- Azizi Kharanaghi, H.; Fazeli Nashli, H. & Nishiaki, Y., (2013). "Tepe Rahmatabad: a Pre-Pottery and Pottery Neolithic Site in Fars Province". In: *Neolithisation of Iran –The Formation of New Societies*, edited by R. Matthews and H. Fazeli Nashli, Pp: 108–123. Oxford: Oxbow Books.

- Azizi Kharanaghi, M, H., (2007). "Comparative Chronology and Stylistics of Rahmatabad Fars Pottery". Master Thesis in Archeology, University of Tehran (unpublished).

- Azizi Kharanaghi, M, H., (2015). "Report of the first season of excavation to determine the core and buffer zone of Tel-e Suzo, Dashtestan district, Bushehr province". Tehran: Documentation Center of the Archaeological Research Institute (unpublished).

- Azizi Kharanaghi, M, H., (2020). "North shores of the Persian Gulf (Bushehr province) in the fifth millennium B.C.". *International Virtual International Conference on Archeology of Iran and Neighboring Areas,* Zahedan: Sistan and Baluchestan University.

- Azizi Kharanaghi, M, H.; Ebrahimi, N & Azarian, M., (2020). "Bakun sites on the northern shores of the Persian Gulf, Bushehr province". *The Persian Sea According to Archeology,* Collectors: Jibril Nokandeh, Abdolreza Dashtizadeh, Amolbinin Ghafouri, Pp: 69-48.

- Azizi Kharanaghi, M, H.; Ebrahimi, N & Khanipour, M., (2014). "Archaeological excavations of the Chahar Roustaei, Bushehr". *Short articles of the 12th Annual Archaeological Conference of Iran,* Tehran: Cultural Heritage Research Institute.

- Azizi Kharanaghi, M, H.; Khanipour, M.; Khosravi, S.; Razi, S.; Barani, V. & Azarian, M., (2012). "Report of the first season of excavation in Chahar Roustaei". Tehran: Documentation Center of the Archaeological Research Institute (unpublished).

- Bakhtiari, H., (1974). *Notes on the historical geography and archeology of Siraf, Bushehr.* Publications of the General Directorate of Culture and Arts of Bushehr Province.

- Bernbeck, R.; Fazeli, H. & Pollock, S., (2005). "life in a fifth-millennium BCE village: excavations at Rahmatabad, Iran". *Near Eastern Archaeology,* No. 68, Pp: 94–105.

- Carter, R. A.; Challis, K.; Priestman, S. M. N. & Tofighian, H., (2006). "The Bushehr hinterland: results of the first season of the Iranian-British archaeological survey of Bushehr province, November–December 2004". *IRAN,* No. 44, Pp: 63–103.

- Ebrahimi, N., (2007). "Spatial Analysis of Achaemenid Palaces in Borazjan". Master Thesis in Archeology, University of Tehran (unpublished).

- Egami, N. & Seiiche Masuda, S., (1962). "Marv Dasht I: The Excavations at Tall-i Bakun, 1956". *The Tokyo University Iraq-Iran Archaeological Expedition, Report 2*, Tokyo: The University of Tokyo.

- Egami, N. & Sono, T., (1962). "Marv-Dasht". Volume 2: *The Excavation at Tall-i-Gap 1959. Tokyo University Iraq-Iran archaeological expedition reports 3.* Tokyo: institute of oriental culture of the University of Tokyo.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

- Goff, C., (1963). "Excavations at Tall-i Nokhodi". *IRAN,* No. 1, Pp: 43–70.

- Goff, C., (1964). "Excavations at Tall-i Nokhodi, 1962". *IRAN,* No. 1, Pp: 41–52.

- Gotch, P., (1968). "A Survey of the Persepolis Plain and Shiraz Area". *IRAN,* No. VI, Pp: 168-170.

- Helwing, B. & Seyedin, M., (2007). "Symposium on the latest Results of Archaeological excavations at Tang-e Bolaghi". In: *Prehistoric Settlements in Bulaghi Valley: Iranian/German Rescue Excavations at Sites DB91, DB119, DB73 and DB131, Abstracts,* Pp: 12–13, Tehran: Iranian center for archaeological research.

- Helwing, B. & Seyedin, M., (2010). "Bakun-period Sites in Darre-ye Bolaghi, Fars". In: *Beyond the Ubaid: Transformation and Integration in the Late Prehistoric Societies of the Middle East.* R.A. Carter and G. Philip (eds.) Pp: 277–292. Studies in Ancient Oriental Civilization. Chicago: Ori- ental Institute of the University of Chicago.

- Ismaili Jalodar, M., (2008). "Report of the second chapter of Siraf archeological excavation". Tehran: Archaeological Research Institute Documentation Center (unpublished).

- Karami, M., (2014). "Reflection of economic-political development in northern Persia during the fifth millennium BC (based on recent excavations in the Bolaghi Valley)". *Proceedings of the International Conference of Young Archaeologists,* Tehran: University of Tehran, Pp: 140-127.

- Karimian, H.; Sarfaraz, A. A. & Ebrahimi, N., (2010). "Restudy of Achaemenid palaces in Borazjan based on archaeological data". *Baghnazar Magazine,* Vol. 7, No. 14, Pp: 58-45.

- Khanipour, M., (2015). "Report of the first chapter of the archeological study of the central part and the benefits of Bavanat". Archive of the Archaeological Research Institute (unpublished).

- Langsdorff, A. & McCown, D. E., (1942). *Tall-i-Bakun A: Season of 1932.* Oriental Institute Publications, LIX, University of Chicago Press, Chicago.

Petrie, C. A.; Sardari, A. & Javanmard Zadeh, A., (2007). "Developing societies and economies in the 4th millennium BC: Further Excavations at Tol-e Spid". *IRAN*, Vol. 45. Pp: 301–309.

- Petrie, C. A., (2011). "Culture: ' innovation and interaction across south- ern Iran from the Neolithic to the Bronze Age (6500-3000 BC)". In: *Inves- tigating archaeological cultures: Material culture, variability and transmis- sion,* ed. B. Roberts and M. Vander Linden, Pp: 151-82, New York: Springer.

- Petrie, C. A., (2013). "The Chalcolithic in southern Iran". In: Potts, D. (ed.), *The Oxford Handbook of ancient Iran,* Oxford university Press, Pp: 120-160.

- Pezar, M., (2005). *Mission in Bushehr Port, Report of Excavations and Archaeological Studies.* Translated by Seyed Zia Mosleh, Bushehr, Shoro Publications.

- Pollock, S.; Bernbeck, R. & Abdi, K., (2010). *The 2003 Excavation at Tol-e Bshi, Iran: Social Life in a Neolithic Village, Deutsches Archäologisches Institut Eurasien-Abteilung Aussenstelle Tehran*. Archäologie in Iran und Turan, Band 10.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

- Potts, D. T. & Roustaei, K., (2006). *The Mamasani Archaeological Project Stage One: A Report on the First Two Seasons of the ICAR University of Sydney Joint Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran.* Tehran: Iranian center for archaeological research.

- Sardari Zarchchi, A. & Taheri, M. H., (2015). "Excavation at Tepe Meshkarim Semirom". Proceedings of short archeological papers, Tehran: Cultural Heritage Research Institute.

- Sardari, A.; Fazeli Nashli, H.; Hejebri Nobari, A. & Khatib Shahidi, H., (2011). "Northern Fars in the Bakun Period: Archaeological Evidence from the Eghlid District". *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan (AMIT)*, Vol. 43, Pp: 239-260.

- Sardari, Zarchchi, A., (2011). "Analysis of socio-economic complexities of the cultures of northern Persia (Eghlid) in the Chalcolithic period based on the excavations of Mehr Ali hill". Ph.D. thesis in archeology, Tarbiat Modares University (unpublished).

- Sarfaraz, A. A., (1971). "Discovery of a palace from the time of Cyrus the Great on the shores of the Persian Gulf". *Iranian Journal of Archeology and Art, Publications of the Ministry of Culture and Arts, General Directorate of Archeology and Public Culture,* Nos. 7 and 8, Pp: 19-32.

- Sarfaraz, A, A., (2006). "Report of the fifth seasons of the excavations of Charkhab Borazjan Palace". Bushehr: Documentation Center of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Bushehr Province (unpublished).

- Schmidt, E. F., (1939). "Tall-i Bakun". In: *The Treasury of Persepolis and Other Discoveries in the Homeland of the Achaemenians,* Oriental Institute Communications No. 21, University of Chicago Press, Chicago, Pp: 121-129.

- Sumner, W. M., (1972). "Cultural Development in the Kur River Basin, Iran: An Archaeological Analysis of Settlement Patterns". Ph.D. dissertation, University of Pennsylvania.

- Sumner, W. M., (1986). "Proto-Elamite Civilisation in Fars", In: *Gamdat Nasr: Period of Regional Style?,* (Eds. Finkbeiner, U. and Rollig, W.), Beihefte zom Tubinger Atlas des Vorderern Orients, 62, Ludwig Reichert, Wiesbaden, Pp: 199-211.

- Sumner, W. M., (1989). "Anshan in the Kaftari Phase: Patterns of Settlement and Land Use". In: *Archaeologia Iranica et Orientalis: Miscellanea in Honorem Louis Vanden Berghe,* (Eds. De Meyer, L. and Haerinck, E.), Gent, Pp: 135-161.

- Taheri, M, H., (2015). "Study of cultural interactions of communities of the Semirom area during the excavation of Tel Mashkarim". M.Sc. Thesis in Archeology, University of Tehran (unpublished).

- Tawfiqian, H., (2014). "Architectural analysis of the ancient port of Siraf in the coastal sector based on underwater archaeological studies". *Archaeological Studies*, Vol. 6, No. 1, Pp: 38-21.

- Vanden Berghe, L., (1954). *Archaeologische Navorsingen in De Omstreken Van Persepolis.* Jaarbericht Ex Oriente Lux 13, Pp: 394-408.

- Weeks, L.; Petrie, C. A. & Potts, D. T., (2010). "Ubaid- Related- Related? The

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]

"Black-On-Buff" Ceramic Traditions of Highland Southwest Iran". In: Robert A. Carter and Graham Philip, (eds) *Beyond the Ubaid, Studies in Ancient Oriental Civilization*, No. 63, Oriental Institute of University of Chicago, Chicago.

- Weeks, L.; Alizadeh, K.; Niakan, L.; Alamdari, K.; Zeidi, M.; Khosrowzadeh, A., McCall, A. & McCall, A, B., (2006). "The Neolithic Settlement of Highland SW Iran: New evidence from The Mamasani District". *Journal of Persian studies (IRAN)*, Vol: XLIV, Pp: 1- 32.

- Whitehouse, D., (1974). "Report Excavation at Siraf: Sixth Interim Re-port". *IRAN*, Vol. XII, Pp: 1-30.

- Yaghmaei, I., (Ehsan) (2004). "Bardak Sia Palace Excavation Report". Bushehr: Documentation Center of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Bushehr Province (unpublished).

- Zare, M. & Abolharar, A., (2010). "Archaeological excavation report of Tepe Mianroud, Fars". Tehran: Archaeological Research Institute Documentation Center (unpublished).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.33]